

الزام زوج به رعایت حق جنسی زوجه

مریم احمدیه *

چکیده

یکی از حقوق زوجین نسبت به هم، حق رابطه‌ی جنسی است. برقراری صحیح این ارتباط نقش مهمی در حفظ و استحکام خانواده و پیشگیری از انحرافات احتمالی زن یا شوهر دارد. تحقیق حاضر با روش کتابخانه‌ای و تحلیلی - توصیفی با استفاده از استنباطات فقهی و اصولی بیان می‌کند که مطابق آیه‌ی شریفه‌ی «عاشروهن بالمعروف» و «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف»، زن و شوهر حقوق مساوی دارند و این حق متضایف است یعنی در مقابل تکلیف زن که اطاعت از مرد در امور جنسی است، حق هم از جانب مرد نسبت به زن قرار داده شده است و برقراری چنین توازنی - که تلازم حق و تکلیف است - به تعدیل و تنظیم روابط جنسی منجر خواهد شد. در غیر این صورت رضایت زناشویی خدشه‌دار می‌شود. دلیل این الزام، علاوه بر وجوب حسن معاشرت در روابط زوجین، ظهور اولیه‌ی تعبیر به حق در روایات به الزام، اطلاق حکم وضعی ناشی از حکم تکلیفی رابطه‌ی جنسی و نیز ارشادی مولوی بودن این نوع از حق است. به همین جهت اگر مرد حق زن را در این ارتباط رعایت نکند و زن از انجام دادن عمل زناشویی سرپیچی کند، حکم ناشزه به او داده نمی‌شود.

واژگان کلیدی

معاشرت به معروف، حق جنسی، ارشادی مولوی، مقدمه‌ی واجب، رابطه‌ی حق و تکلیف.

۱- مقدمه و بیان مسئله

قرآن کریم به خانواده اهمیت بسیار داده و نسبت به خانواده به عنوان مرکز توجه احکام، حقوق، آداب و اخلاق اهتمام ویژه‌ای مبذول داشته و جایگاه آن را با آموزه‌ها و دستورهای متعدد تحکیم بخشیده است. حساسیت محیط خانواده و اهداف بلندمدت و مقدس آن اقتضا می‌کند که همسران بیشترین دقت را در رعایت حسن معاشرت با یکدیگر داشته باشند (شریعی و صفدرزاده، ۱۳۹۶: ۹۰). این تحقیق، اخلاق را به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در مسائل جنسی، نقش‌آفرین می‌داند. اخلاق جنسی قسمتی از اخلاق به معنای عام است و شامل آن عده از عادات و ملکات و روش‌های بشری است که با غریزه‌ی جنسی بستگی دارد و قدرت فوق‌العاده‌ی غریزه، همواره مهم‌ترین بخش‌های اخلاق به شمار می‌رفته است» (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵). یکی از موارد اخلاق جنسی، اخلاق در روابط جنسی میان زوجین است. ویل دورانت در این باره می‌گوید: «سروسامان بخشیدن به روابط جنسی همیشه مهم‌ترین وظیفه‌ی اخلاق به شمار می‌رفته است؛ زیرا غریزه‌ی تولیدمثل نه تنها در حین ازدواج بلکه قبل و بعد آن هم مشکلاتی فراهم می‌آورد و در نتیجه شدت و حدت همین غریزه و نافرمان بودن آن نسبت به قانون و انحرافات که از جاده‌ی طبیعی پیدا می‌کند، بی‌نظمی و اغتشاش در سازمان‌های اجتماعی تولید می‌شود» (همان، ۱۶). روان‌شناسان ریشه‌ی بسیاری از عوارض ناراحت‌کننده‌ی عصبی و بیماری‌های روانی و اجتماعی را احساس محرومیت، به خصوص در زمینه‌ی امور جنسی تشخیص دادند و ثابت کردند که این محرومیت‌ها مبدأ تشکیل عقده‌ها و عقده‌ها عمدتاً به صورت صفات خطرناک مانند میل به ظلم و جنایت، کبر، حسادت، انزوا و گوشه‌گیری، بدبینی و غیره تجلی می‌کند (همان، ۴۵). از دیدگاه اسلام، نه تنها رابطه‌ی جنسی زن و شوهر در میزان استحکام نهاد خانواده و گسترش عفت جنسی در جامعه تأثیرگذار است، بلکه در خصوص حق جنسی زوجین، آموزه‌هایی با محوریت اصول اخلاقی وارد شده است تا تمامی ظرفیت‌های این موضوع چه از حیث مادی و جسمی و چه از حیث روحی و عاطفی بارور شود؛ چنین رابطه‌ای تأثیرات شگرفی در طهارت جسم و روح افراد دارد.

از آنجاکه انجام دادن صحیح عمل جنسی با رضایت جنسی افراد ارتباط مستقیم و معنی‌دار دارد، بی‌توجهی به مشکلات جنسی ایشان می‌تواند به بروز نارضایتی جنسی آنها منجر شده و با گذشت زمان ابعاد روحی و حتی روابط زناشویی و خانوادگی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. (توکل و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۳).

در مورد اخلاق جنسی، مصادیق متعددی چون حیای زن از مرد، غیرت ناموسی مرد، منع ازدواج با محارم و منع نزدیکی با زن در ایام عادت را جزء اخلاق و عادات جنسی شمرده‌اند (مطهری،

۱۳۸۷: ۶۳۳)، اما در این تحقیق، اخلاق جنسی همان آدابی است که هریک از زن و شوهر باید رعایت کنند و در این باره شوهر مسئولیت بیشتری دارد، زیرا رضایت‌مندی جنسی زن و مرد - به دلیل ساختمان متفاوت روحی و جسمی‌شان - متفاوت است و «چنانچه میان غرایز تبعیض شود، یعنی غرایز بعضی از ایشان ارضا و اشباع و بعض دیگر همچنان ارضا نشده باقی بماند، آشفتگی در غرایز را موجب خواهد شد» (همان، ۶۳۷).

تاکنون تحقیقاتی در سطح کشور انجام شده که نشان می‌دهد رعایت نکردن آداب جنسی موجب نارضایتی زن شده و تعارضاتی را بین زن و شوهر به وجود آورده است:

- براساس یافته‌های تحقیق سپهریان و حسینی مشخص شد، بین عملکرد جنسی با رضایت‌مندی جنسی و میل جنسی همبستگی بالایی وجود دارد و یک رابطه‌ی دوسویه بین کژکارکردی جنسی با افسردگی و اضطراب وجود دارد. افسردگی از جمله شایع‌ترین مشکل روان‌شناسی است که میزان شیوع آن در بین زنان تقریباً دوبرابر مردان است. (سپهریان و حسینی، ۱۳۹۱: ۱۵۴-۱۴۵).

- در تحقیق رضایی‌پور و همکاران این نتیجه حاصل شده که تجربه نکردن ارگاسم از عوامل مؤثر در نارضایتی از رابطه‌ی جنسی است و تجربه‌ی ارگاسم موجب افزایش قدرت بدنی، شادابی و تقویت سیستم ایمنی فرد می‌شود. برعکس در رابطه‌ی جنسی بدون تجربه‌ی ارگاسم زمینه‌ی لذت نبردن از روابط جنسی فراهم شده، باعث سردمزاجی قطعی زن می‌شود (رضایی‌پور و همکاران، ۱۳۸۲: ۴۴-۵۱).

- در پژوهشی دیگر، نظری و ابوالمعالی نشان دادند که میزان عزت نفس زنان با رضایت جنسی آنها رابطه‌ی تنگاتنگ دارد و فقدان اعتماد به نفس یکی از علل بارز سردمزاجی زن می‌شود (نظری و ابوالمعالی، ۱۳۹۴: ۲۱-۱۱).

- موحد و عزیزی پژوهشی به منظور مطالعه‌ی رابطه‌ی رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان زن و مرد انجام دادند. مطابق نتایج این تحقیق، علت بسیاری از آشفتگی‌های روانی نارضایتی جنسی است که نسبت به زنان بیشتر مطرح است، زیرا مسائل عاطفی و روانی در روابط جنسی زنان بسیار مهم‌تر است و اگر به این موضوع توجه نشود، ارضا شدن زن از نظر فیزیکی دشوار خواهد بود (موحد و عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۱۷).

- تحقیقات مزده و ضیغمی محمدی نشان داده است که نارضایتی از عملکرد جنسی ارتباط تنگاتنگی با مشکلات اجتماعی از قبیل جرائم، تجاوزات جنسی یا بیماری‌های روانی و طلاق دارد (مزده و ضیغمی محمدی، ۱۳۹۲: ۴۱-۵۱).

- تحقیق دیگری که با عنوان «بررسی رابطه بین خیانت زناشویی با نارضایتی جنسی در زنان شهر تهران» برای بررسی رابطه بین آزمون پیش‌بینی کننده خیانت زناشویی با نارضایتی جنسی انجام شد، نشان داد بین خیانت زناشویی با نارضایتی جنسی همبستگی معناداری وجود دارد. (سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران در سال ۱۳۹۵).

- مداح تحقیقی با هدف بررسی رابطه‌ی تعارضات زناشویی و اختلالات جنسی در افراد متقاضی طلاق انجام داده است. سنجش یافته‌های پژوهش وی حاکی است که زیر مقیاس‌های اختلالات جنسی در مردان ۷۷ درصد واریانس تعارضات زناشویی را تبیین می‌کند (مداح، ۱۳۹۴).

پایان‌نامه «بررسی ارتباطات اختلالات جنسی با بروز طلاق در شهرستان اراک» که در مرکز آموزشی درمانی شهر اراک با هدف ارتقای سلامت جامعه و مداخله‌ی به موقع برای کاهش شیوع مشکلات جنسی انجام شده است، نشان می‌دهد که مشکل زنان و مردان متقاضی طلاق این بوده که در مرحله‌ی ابراز علاقه و تمایل در زمان مقاربت و همچنین احساس رضایت پس از نزدیکی ناتوان بوده‌اند (موسوی و طاووسی، ۱۳۸۹).

با توجه به موارد فوق، وظیفه‌ی زوجین در رابطه‌ی جنسی به گونه‌ای است که صحیح انجام دادن آن موجب یک زندگی بانشاط و صحیح انجام ندادن آن یا موجب افسردگی، اضطراب و ناراحتی‌های روانی در زنان می‌شود و یا تعارضات زناشویی در انواع مختلف جرائم، خیانت جنسی و نیز طلاق را پدید می‌آورد.

برآورده نشدن صحیح این نیاز، زندگی مشترک را دچار اختلال‌های متعدد و پنهان می‌کند، زیرا فقط ارتباط جنسی نمی‌تواند این نیاز را سامان دهد، بلکه تنظیم این رفتار و انجام صحیح آن، نقش ویژه‌ای در پایدار ماندن خانواده ایفا می‌کند و موجب تعادل در رفتار زن و شوهر می‌شود؛ برای مثال اگر هر یک از زوجین در زمان تمتع جنسی به بهداشت خود نپردازد و این حق اخلاقی را اداء نکند، موجبات نفرت طرف مقابل را به وجود می‌آورد. شواهد موجود حاکی است که رعایت نکردن موارد فوق از جانب هر یک از ایشان، موجبات افسردگی، انحرافات اخلاقی زوجین به خصوص زوجه را در پی داشته و حتی اثرات غیرمعمول در رفتار فرزندان خانواده داشته است.

در فرهنگ قرآنی هم واژه‌های به کار برده شده مثل «عاشروهن بالمعروف»، از وجود روابط اخلاقی ناشی از اصل اخلاقی معروف بین زوجین در زندگی زناشویی حکایت می‌کند.

الزام داشتن اخلاق در دانش فقه بی‌سابقه نیست، زیرا افعال قلبی و اخلاقی نیز کمابیش در کتاب‌های فقهی بررسی می‌شود. شیخ حر عاملی هم در *وسائل‌الشیعه* - که کتابی در شمار کتب

«فقه مأثور» یا «فقه روایی» است- برداشت فقهی خود را در عنوان‌گذاری ابواب کتاب دخیل کرده و به شکل «باب وجوب» مثل «باب وجوب انصاف الناس ولو من النفس» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ص ۲۸۳) و «باب حرمة» مثل «باب تحریم الحسد و وجوب اجتنابه دون الغبطه» (همان، ۳۶۵) و... نام‌گذاری کرده است. همچنین مرحوم فیض کاشانی در کتاب فقهی خود به نام *التخبه فی الحکمة العملیة و الأحکام الشرعیة* به برخی آداب اجتماعی و مستحبات معاشرت اشاره می‌کند؛ آدابی مانند تودد، خوش‌خُلُق، عفو، فروخوردن خشم، صبر و مدارا با مردم (سبزواری: ج ۱۵، ص ۲۹۷). بنابراین در روایات، گزاره‌های اخلاقی متعددی وجود دارد که ملاحظه‌ی آن در احکام شرعی مغفول مانده است.

مسلم است، یکی از راه‌های مؤثر در اخلاقی کردن افعال زوجین در زندگی زناشویی، خروج برخی احکام اخلاقی در آیات و روایات از توصیه به ترجیح، تأکید و یا الزام است. تا جایی که دستورات اخلاقی، زمینه‌ساز اجبار افراد به شایسته‌ترین عمل یا مناسب‌ترین رفتار شود. تحقیق حاضر، ضمن برشمردن برخی از حقوق جنسی زوجه که در حقیقت همان آداب استمتاع جنسی است، ابتدا به جستجوی مصادیق این آداب در کتب روایی و فقهی برآمده و سپس مبانی الزام آن را بررسی خواهد کرد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا حق استمتاع جنسی میان زوجین و به طور خاص حق زوجه که در روایات برشمرده شده می‌تواند الزام‌آور باشد؟ بدیهی است، دین اسلام برای استمتاع جنسی زوجین به فراخور هر یک حق و تکلیفی معین کرده و ایشان را به رعایت آدابی دعوت کرده است. در این تحقیق، درباره‌ی حقوقی که زنان بر عهده‌ی مردان دارند، بحث خواهد شد و رعایت مجموع حق و تکلیف (رابطه‌ی جنسی و حق جنسی) در این جا، تنظیم رابطه‌ی جنسی نام نهاده شده است.

۲- وظایف جنسی زوجین از منظر روایات و دیدگاه فقها

مطابق نظام زیست‌شناختی، ارضای نیازهای جنسی زن و مرد متفاوت است. به این معنا که شهوت جنسی زن و مرد از جهات مختلف تفاوت دارند؛ لذا در روایات اسلامی توصیه‌های متفاوتی درباره‌ی ضرورت برآورده شدن نیاز جنسی هر یک از ایشان بیان شده است که در سه مقوله‌ی توصیه‌ی مشترک به زن و شوهر، حق شوهر و حق زن گنجانده می‌شود:

الف- توصیه‌ی مشترک به زن و شوهر: در روایات اسلامی، توصیه‌ی مشترکی که به زن و شوهر شده است، تعدیل در آمیزش جنسی است (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۰۶).

ب- حق شوهر: مطابق روایات معتبر، مهم‌ترین وظیفه‌ی زن در رابطه‌ی جنسی، اطاعت وی از شوهر در امور جنسی است (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۰ و ۲۹، ح ۲۴۹۴۳ و ۲۵۳۱۷ و ۲۵۳۰۱؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ح ۱۶۳۷۷).

ج- حق زن: بر اساس روایات، مهم‌ترین وظایف مرد نسبت به زن در رابطه‌ی جنسی، عبارت است از:

- رعایت بهداشت جنسی از طرف شوهر (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۰، ص ۱۴۲؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۳۱؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۷، ص ۴۶۰)؛
- رعایت حقوق جنسی از طرف شوهر (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۰، ص ۱۴۱؛ ح ۲۵۲۴۶)؛
- رعایت آمادگی جنسی زن (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۰، صص ۱۱۷ و ۱۶۵، ح ۲۵۱۱۸۱ تا ۲۵۱۱۸۷).

جدول ۱. توصیه‌ی اخلاقی به زوجین در تنظیم امور جنسی

توصیه به زن	توصیه به شوهر	توصیه به زن و شوهر
اطاعت زن در امور جنسی از شوهر	<ul style="list-style-type: none"> - رعایت بهداشت جنسی از طرف شوهر - رعایت حقوق جنسی از طرف شوهر - رعایت آمادگی جنسی زن 	تعدیل در آمیزش جنسی

رابطه‌ی جنسی از حقوق واجب میان زوجین است و در صورتی که هر یک از ایشان وظیفه‌ی خود را در امر زناشویی انجام ندهد، ناشز یا ناشزه می‌شود. نشوز باعث ارضا نشدن نیاز جسمی و گاهی عامل طلاق است (فاتی‌زاده، بارباز اصفهانی و پرچم، ۱۳۹۵: ۸۶). بسیاری از فقیهان نشوز را به معنای «سرپیچی و اطاعت نکردن در امر واجب» از جانب هر یک از زن و شوهر دانسته‌اند (العاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۴۲۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۵۶۰؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۴۲؛ بحرانی، ۱۴۰۹: ج ۲۴، صص ۶۱۴ و ۶۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۱۵۲) و اماراتی برای نشوز هر یک از زن و مرد برشمرده‌اند:

از علامات نشوز زن، ترک هم‌خوابگی و پاسخ ندادن به نیاز مرد (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۳۲۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۱۰۰؛ طباطبایی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۱۵۲؛ طوسی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۳۳۷)، گفتار غیر پسندیده و برخورد خشمگینانه (طوسی، همان؛ ابن حمزه طوسی، همان؛ طباطبایی، همان)، ترشروی و کوتاهی (حلی (علامه)، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۵۶؛ العاملی (شهید اول)، ۱۴۱۱: ۷۴) خودداری از آراستن خود مطابق خواست زوج (صافی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۱۷۴) را برشمرده‌اند.

همچنین علامات نشوز مرد را کراهت داشتن از زن (صدوق، ۱۴۱۵: ۳۵۰، ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۳۲۲)، دوری کردن از زن و پاسخ ندادن به نیاز او (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۳۳۹)؛ منع زن از حقوقش (ابن علامه، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۲۵۶؛ العاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۴۲۷) مثل نفقه و لباس (طوسی، همان؛ ابن حمزه طوسی، همان؛ فاضل هندی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۱۰۰؛ بحرانی، ۱۴۰۹: ج ۲۴، صص ۶۱۴ و ۶۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۱۵۲) یا قسم (ابن حمزه طوسی، همان؛ فاضل هندی، همان) و بدخلقی و اذیت و آزار زن (فاضل هندی، همان؛ بحرانی، همان؛ طباطبایی، همان) برشمرده‌اند.

همچنین در بیان کیفیت تمکین زن و آداب آن در برقراری ابطه‌ی جنسی مواردی برشمرده شده است؛ مثل اینکه زن باید خود را آراسته کند، ترشروی نکند و برخورد خشمگینانه نداشته باشد، در غیر این صورت ناشزه خواهد شد. در مورد آدابی که مرد در ارتباطات جنسی باید رعایت کند، بیشتر به حق قسم و یا خودداری از بدخلقی با زن و اذیت او اشاره شده است، در حالی که روایات علاوه بر خودداری از اذیت و آزار زن^۱ به فراهم آوردن رضایت جنسی او^۲ و کوتاهی نکردن در برآورده کردن نیاز جنسی زن و ادای حقوق او^۳ تأکید دارد. رعایت نکردن این آداب و بهره‌مند نشدن زن در ارتباطات زناشویی مانع از این خواهد شد که او بتواند همیشه در ارتباط جنسی همراه مرد باشد و در نتیجه بعد از مدتی، ناسازگاری‌های متعددی در زندگی زناشویی پدید خواهد آمد؛ لذا روایات حقوقی را برای زن برشمرده است.

۳- بررسی مفهوم و ویژگی‌های حق جنسی

حق به دو معنا در احادیث گسترش یافته است: «هست» و «باید». حق به مثابه آنچه به راستی هست، مانند «سحر حق است» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰) که به هیچ وجه دنبال تجویز سحر نیست و فقط از «هست» گزارش می‌کند. حق به مثابه «آنچه باید» - اعم از بایسته‌های اخلاقی یا شرعی - در روایات گسترش بسیار دارد و حاکی از یک «باید» دوسویه است که در یک سوی آن فرد ذی‌حق جای می‌گیرد که باید کاری برای او انجام شود و در سوی دیگر، فردی که

۱. عن ابان عن بعض اصحابه عن ابي عبدالله عليه السلام قال، سألته عن اتيان النساء في اعجازهن فقال: هي لعبتك فلا تؤذها (كليني، ۱۳۶۷: ج ۵، ص ۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۰، ص ۲۲۶).

۲. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: كل لهو المؤمن باطل الا في ثلاث: ... و ملاعبة امرأته. فانهن حق (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ص ۴۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۱، ص ۲۱۶).

۳- عن امير المؤمنين عليه السلام: ... قال: اذا اراد احدكم ان يأتي زوجته فلا يعجلها فان للنساء حوائج (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ص ۱۱۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۰، ص ۱۱۸؛ صدوق، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۶۳۶).

عن ابي عبدالله عن ابيه عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ثلاثة من الجفاء: ... و مواقة الرجل اهله قبل الملاعبة (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، صص ۴۴۷ و ۲۸۵؛ حمیری، ۷۴؛ حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۱۴۵).

۳. عن الرضا عليه السلام عليه السلام: ... علم الله ان غاية صبر المرأة اربعة اشهر في ترك الجماع، فمن ثم اوجبها عليها و لها (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴، ص ۱۹۲).

موظف است حقی را به ذی حق ادا کند و دو سوی این رابطه می‌تواند دو انسان باشد. اگر کسی بر دیگری حقی دارد، در مقابل آن حقی هست که باید ادا شود. بخشی از حقوق ذکر شده در احادیث، ناظر به مواردی است که ذی حق و اداکننده‌ی آن در موقعیت همسان قرار دارند، مانند حق همسایه بر همسایه. در برخی موارد ذی حق و اداکننده‌ی حق نسبت تضایف دارند، نوع حقوق آنها بر یکدیگر متفاوت است؛ مثل روایاتی که یا حق زن بر شوهر و یا حق شوهر بر زن را شرح می‌دهد (بجنوردی، ۱۳۹۴: ج ۲۱، ص ۹۸).

بعد از عقد نکاح و برقراری زوجیت، تمتع جنسی زوجین از یکدیگر واجب است، اما رعایت چگونگی معاشرت در این مورد امر دیگری است. در روایات متعددی - که فقها هم به آن تأکید کرده‌اند- از زنان خواسته شده علاوه بر اطاعت از مرد در امور جنسی^۱ آدابی همچون پاکیزگی و آراستن و خوشبو کردن خود را رعایت کنند.^۲ این تمیزی و آراستگی زن به قدری اهمیت دارد که مطابق نظر برخی فقها، اگر زنی مطابق خواست زوج خود آرایی نکند، ناشزه است (موسوی‌الخمينی، ج ۲، ص ۳۰۵؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۶۴؛ سیستانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۱۰۶، م ۳۵۰). بدیهی است متضایف بودن حق زوجین ایجاب می‌کند که مرد هم علاوه بر التزام به تمتع جنسی زن، آدابی را رعایت کند؛ از جمله اینکه خود را بیاراید^۳ و موجبات اذیت و آزار زن را فراهم نیاورد^۴ و در آمیزش جنسی حق این است که رضایت زن را فراهم کند.^۵

۱. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «خير نسائكم التي اذا دخلت مع زوجها خلعت درع الحياء» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۳، ص ۲۳۹؛ کلینی، ۱۳۶۷: ج ۵، ص ۳۲۴).
 ۲. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «لعن الله المستوفات التي يدعوهن زوجها الى فراشه، فتقول: سوف حتى تغلبه عيناه» (نهج‌الفصاحه، ح ۲۲۳۷).
 ۳. عن ابی عبد الله عليه السلام قال: «جاءت امرأة الى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقالت: يا رسول الله ما حق الزوج على المرأة؟ قال: ...عليها ان تطيب باطيب طيبها و تلبس احسن ثيابها و تزين باحسن زينتها و تعرض نفسها عليه غدوة و عشية» (حرعاملی، ج ۲۰، ص ۱۵۸).
 ۳. عن ابی جعفر عليه السلام قال: «النساء يحبين ان يرين الرجال في مثل ما يحب الرجال ان يری فيه النساء من الزينة» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۶، ص ۱۰۱، طبرسی، ۱۴۱۲: ۸۰).
 ۴. عن ابان عن بعض اصحابه عن ابی عبد الله عليه السلام قال: «سألته عن اتیان النساء في اعجازهن فقال: هي لعبتك فلا تؤذها» (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۵، ص ۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۰، ص ۲۲۶؛ مازندرانی، ج ۲، ص ۳۶۰).
 ۵. محمد بن یحیی، عن محمد بن احمد، علی بن اسماعیل رفعه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ارکبوا و ارموا و ان ترموا احب الي من ان ترکبوا، ثم قال کل لهوال مؤمن باطل الا في ثلاث: في تأديبه الفرس و رميه عن قوسه و ملاعبته امرأته. فانهن حق. الا ان الله عزوجل ليدخل فی السهم الواحد الثلاثة الجنة: عامل الخشب و المقوی به فی سبیل الله و الرامی به فی سبیل الله» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۴، ح ۲۵۱۸۶؛ کلینی، ۱۳۶۷: ج ۵، ص ۵۰).
- در مورد سند حدیث علی بن اسماعیل: در برخی منابع به علی بن اسماعیل و استادش هشام بن حکم نسبت‌هایی مانند تشبیه و تجسیم، توحید، قدر، رجعت، نسبت غلو، تحریف قرآن، وارد کردن آثار یهودیان در اسلام، انحراف در بحث اراده خداوند، وارد کردن نظریه‌ی عصمت و نص داده شده است (بدری، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۱۳۳).
- در مقابل، برخی از منابع و شخصیت‌هایی مانند نجاشی، شیخ طوسی، علامه حلی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۱؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۱۶۰؛ علامه حلی ۱۴۱۱: ۹۳) و همچنین شخصیت‌هایی چون مامقانی، تستری، ابوالقاسم خوبی، این نسبت‌ها را ثابت ندانسته‌اند (مامقانی، ۱۳۵۰: ج ۲، ص ۲۷۱؛ ابوالعین، باب علی؛ تستری، ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۳۷۱؛ خوبی، ۱۳۹۸: ج ۱۱، صص ۲۷۵ و ۲۷۸) او را معتمد معرفی کرده‌اند.

بنابراین میان حق و تکلیف ملازمه وجود دارد، یعنی هر جا سخن از حق می‌شود، در مقابل آن تکلیفی هم وجود دارد و چنین نیست که در موردی فقط حق ثابت باشد و تکلیف و الزام و تعهدی نباشد (دائرةالمعارف طهور، تلازم حق و تکلیف در اسلام).

مفاهیم و مقولات دوگانه‌ی بنیادین مانند حق و باطل در کلام و حق و تکلیف در فقه و حقوق خصیصه‌ی تضایفی دارند؛ یعنی می‌توان آنها را در تقابل با یکدیگر تبیین کرد و هر یک از این مفاهیم - که طرف اضافه‌ی یکدیگرند - بدون دیگری فاقد معنا و از اعتبار مقولی و مفهومی ساقط است (شاکری گلیپگانی، ۱۳۹۳: ۴۰) و بدون این نوع از تقابل توازن ایجاد نمی‌شود.

بین وظایف مرد و زن در رابطه‌ی جنسی تلازم حق و تکلیف است؛ یعنی اگر حقی برای زن در این مورد قرار داده شده به نحو ضروری، تکلیفی هم بر عهده‌ی مرد قرار داده شده است. در واقع، تکلیف اطاعت زن در امر جنسی از مرد، ایجاب می‌کند که حقوق زن هم رعایت شود، زیرا اگر فرض کنیم که این حق قرار داده شده باشد، اما در استیفای این حق موانعی وجود داشته باشد، جعل و اعتبار چنین حقی، امری لغو خواهد بود. اعتبار حق وقتی مفید و معقول است که صاحب حق بتواند با استیفای حق خود، به مطلوبش نائل آید و این امر وقتی ممکن است که متلازم با ثبوت حق برای یک موجود، تکلیفی برای دیگران نسبت به رعایت حق او ثابت شود (نبویان، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

حق استمتاع جنسی زن در ارتباط با همسر^۱ و جوب شرعی استقلالی نیست، زیرا وجوب شرعی همان ارتباط جنسی (موقعه) است. وجوب عرضی هم نیست، زیرا این نوع از وجوب «استعمالی مجازی و بحثی لغوی است که وجوبی برای مقدمه ثابت نمی‌کند» بنابراین مقصود از وجوب، وجوب غیر تبعی است و به تعبیری دیگر وجوب ترشخی غیر است یعنی به واسطه‌ی غیر خودش واجب شده است (مصطفوی، ۹۲/۰۹/۱۰).

همچنین از میان دو مقدمه‌ی وجود و مقدمه‌ی صحت در تقسیمات مقدمه‌ی واجب، حق جنسی زن مقدمه‌ای صحی است یعنی صحت ذی‌المقدمه به آن وابسته است، ولی این مقدمه، مقدمه‌ی مستقلی نیست و به مقدمه‌ی وجوب یا مقدمه‌ی واجب برمی‌گردد (عراقی، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۲۷۱) و بدیهی است که حق جنسی از اجزای واجب نیست، بلکه خارج از ارتباط جنسی است؛ لذا از شرایط واجب محسوب می‌شود (مصطفوی، ۹۲/۰۹/۱۰). در حقیقت، یک رابطه‌ی جنسی صحیح

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام: ... قال: «إذا اراد احدکم ان یأتی زوجته فلا یصلها فان للنساء حوائج» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ص ۱۱۵؛ حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۰، ص ۱۱۸؛ صدوق، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۶۳۶).

۲- عن ابی عبدالله عن ابیه علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ثلاثة من الجفاء: ... و مواقة الرجل اهل قبل الملاء» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، صص ۴۴۷ و ۲۸۵؛ همان، ج ۱۰۳، ص ۲۸۵؛ حمیری، ۷۴: حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۱۴۵).

۳- عن ابی جعفر علیه السلام قال: «النساء یجنن ان یرین الرجال فی مثل ما یجب الرجال ان یری فیہ النساء من الزینة» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۱۰۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۸۰)

آن است که مرد وظایف خود را با شرط واجب که رعایت حقوق جنسی زن باشد، انجام دهد و چنانچه مرد در این باره کوتاهی کند این حق را برای زن ایجاد می‌کند که از ادامه‌ی رابطه‌ی جنسی ممانعت کرده و ناشزه نباشد، زیرا رعایت نکردن آن موجب عدم ارضاء جنسی زوجه خواهد شد؛ لذا می‌توان لزوم رعایت این حق جنسی را بررسی کرد.

۴- مبانی الزام زوج به رعایت حق اخلاقی^۱ در روابط جنسی

با بررسی چند دلیل می‌توان الزامی شدن این «حق» را بررسی کرد:

الف - حق جنسی را می‌توان از مصادیق حسن معاشرت برشمرد.

ب - حق جنسی زن، در برخی احادیث با واژه‌ی «حق» آمده که می‌توان حکم الزام را بر آن حمل کرد.

ج - این نوع از حق، به منزله‌ی حکم است که می‌توان حکم لزوم را بر آن مترتب کرد.

۴-۱- لزوم حسن معاشرت در روابط زوجین

حسن معاشرت که با اصطلاح «عاشروهن بالمعروف» در آیات شریفه‌ی قرآن آمده، به کیفیت برخورد مسالمت‌آمیز زوجین در زندگی مشترک اشاره می‌کند. هر یک از فقها، در عین سفارش به حسن معاشرت، تفسیری هم در مورد آن دارند. برخی به مفهوم حسن معاشرت و برخی به مصادیق آن پرداخته‌اند.

دلیل کلی بر الزامی بودن رعایت اخلاق، وجوب حسن معاشرت است. همه‌ی فقها «معاشرت به معروف» را در خانواده یک امر واجب و یک تکلیف شرعی دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۶، ص ۴ و ۱۳؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۲۵۵؛ العاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۳۱۱؛ عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۴۱۷؛ بحرانی، ۱۴۰۹: ج ۲۴، ص ۵۸۸؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۳۷۱؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۵۶۰)، اما در تفسیر آن چندگونه نظر داده شده است:

الف - معاشرت به معروف از وظایف واجب است که با تشخیص عرف تأیید می‌شود.

مثلاً برخی معتقدند حسن معاشرت آن است که اگر زنی در زندگی خادم داشته، لازم است شوهر هم برای چنین زنی خادم بگیرد و مرجع چنین تشخیصی عرف است (طوسی، ۱۳۸: ج ۶، ص ۴). برخی دیگر، تعیین مقدار و مبلغ نفقه توسط عرف (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۶۵۵) و گاه ادای «قسم» حق واجب زن که برگردن مرد نهاده شده است (العاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۴۰۴؛ همو، ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۳۰۶) را به حسن معاشرت معنا کرده‌اند.

۱. حق اخلاقی در اینجا منظور حقی است که باید در رفتار ارتباطی رعایت شود.

البته برخی در توضیح این آیه آن را در کنار آیهی شریفه «لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» (بقره: ۲۲۸) قرار داده و فرموده‌اند، منظور از حسن معاشرت آن است که هر حقی که برای هر یک از زوجین از حیث واجب قرار داده شده؛ برای دیگری هم در نظر گرفته شود و این مثلیت به معنای مشابهت نیست، بلکه وظایف، متفاوت است اما از جهت توازن در یک سطح قرار دارند (ابن‌براج، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۲۲۵).

ب - برخی مثل مرحوم حکیم، حسن معاشرت را تنها به جهات اخلاقی ناظر می‌دانند (حکیم، ۱۴۰۴: ۳۰۲). از این سخن چنین برداشت می‌شود که حسن معاشرت همان امور اخلاقی مستحب است که به آن توصیه شده است.

نکات حاصل از بیانات فقیهان عبارت است از اینکه: اولاً، باید دانست معاشرت به معروف، تنها خوش اخلاقی و خوش برخوردی نیست، بلکه رفتاری متقابل، صحیح و مناسب است. به تعبیر دیگر، حسن معاشرت یک مفهوم بسیط و ساده نیست، بلکه یک مفهوم کلی است که دایره‌ی وسیعی از رفتارهای متقابل میان زوجین را شامل می‌شود و مصادیقی دارد که بسیاری از آن در منابع دینی تعیین شده است. ثانیاً، قدر متیقن یا حداقل لازم حسن معاشرت در روابط زوجین آن است که ایشان با انجام دادن بهینه‌ی رفتار در حقوق واجب رضایت‌مندی یکدیگر را در زندگی مشترک به دست آورند و یکی از این حقوق رابطه‌ی جنسی است. لازمه‌ی این رضایت آن است که نیازهای طبیعی زن و شوهر برآورده شود. برخی از نیازهای ایشان در روابط جنسی همان است که روایات بر آنها تأکید کرده‌اند. ثالثاً، حسن معاشرت از نظر بسیاری از فقها امری واجب است و در تعیین محدوده و قلمرو نیز چگونگی توازن آن بین زن و مرد، عرف نقش دارد.

۴-۲- استفاده‌ی الزام از واژه‌ی «حق» مندرج در روایات

گاهی در روایات برای رعایت حقوق جنسی زن از جانب شوهر، از «واژه‌ی حق» استفاده شده است. بحث این است که وقتی رعایت رضایت زن در ارتباط جنسی به عنوان «حق» زن اطلاق شده، الزام دارد یا نه؟ تعبیر «حق» وقتی در تکالیف و روابط اجتماعی می‌آید، ظاهر اولیه این است که اگر جایی به حق یا چیزی شبیه حق تعبیر شده باشد مثل «علیه ان یفعل کذا» اصل وجوب است. وقتی می‌گویند حق او این است، یعنی این شخص باید این کار را انجام بدهد البته اگر قرینه‌ی خاصه‌ای وجود نداشته باشد (اعرافی، ۱۸/۹/۷۷).

ممکن است اشکال شود که در اخبار و احادیث، استعمال حق بیشتر در حقوق راجح است نه حقوق لازمه، همان‌طور که بخش زیادی از رساله‌ی حقوق امام سجاد (علیه‌السلام)، درباره‌ی چیزهایی

است که قطعاً به قرائن عقلی الزامی در کار نیست و مراتب ترجیحی و کمالی شیء است که به عنوان حق ذکر می‌شود (همان) و همیشه حق، ملازمه‌ی قطعی با الزام ندارد، بلکه اعم از الزام یا رجحان است. از آنجا که حقوق ذومراتب و ذومدارج‌اند، بعضی مدارج حق، وجوب را اقتضا می‌کند و بعضی وجوب را اقتضا نمی‌کند؛ مثلاً حقوقی که برای برادران ایمانی نسبت به هم گفته شده، به قرائن قطعی مشخص است که منظور الزام نیست، بلکه به این معناست که به اندازه‌ی تأمین زندگی خودت زندگی او را هم تأمین کنی. حق چیزی است که در مصالحی ریشه دارد، ولی در ذات معنا و مفهوم آن الزامی نیست. کاربرد حق در موارد غیرالزامی هم صحیح است، به همین جهت احتمال دیگر از تعبیر «حق» این است که معنای حقیقی حق یک معنای مشترک و عامی است که هم حقوق صد درجه‌ای را می‌گیرد که در آنها الزام هست، هم حقوقی که درجات پایین‌تری دارد که با رجحان و عدم الزام هم جمع می‌شود. در این صورت هر دو معنا یعنی هم الزام و هم استحباب در معنای حقیقی حق مراد است (همان)؛ لذا باید موارد الزام را از موارد عدم الزام تمیز داد. دلیل نقلی در آیات شریفه‌ی قرآن با عبارت «لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» به تساوی حقوق زن و مرد دلالت می‌کند، به این معنا که همان‌طور که آراستگی زن و آمادگی او در برقراری ارتباط جنسی برای شوهر اهمیت دارد، شوهر هم لازم است به این آمادگی و آراستگی پاسخی یکسان داده و رضایت زن را فراهم آورد. همچنین قرائن عقلی و طبیعی و اسناد موجود در دعاوی مربوط به خانواده هم به ضرورت چنین رفتاری دلالت دارد. بنابراین تعبیر «حق» در روایت مربوطه، به معنای وجوب است.

۴۴

۴-۳- تفاوت نداشتن حق و حکم

مرحوم خوئی بین حق و حکم فرقی نگذاشته‌اند و حق را از نظر ماهوی همان حکم شرعی یا عقلایی دانسته‌اند که تفاوت آنها تنها در تفاوت اصناف یک نوع است و قوام هر دو به اعتبار صرف است و فقط از حیث آثار مختلف‌اند (خویی، ۱۳۷۱: ج ۴۷، صص ۵۲ و ۵۳)؛ لذا «حق» هم همان حکم شرعی یا عقلایی است که مشخصاتی دارد:

الف - حکم وضعی زوجیت و ادای «حق زوجه»

حکم شرعی، تشریحی از جانب خداوند است که برای تنظیم حیات انسان آورده شده است. این خطاب همان‌گونه که متعلق به افعال مکلفین مثل «صل» و «صم» است (احکام تکلیفی)، مواردی که به حیات انسان مربوط شود را نیز در برمی‌گیرد. مثل احکامی که در ارتباط با رابطه‌ی زوجیت است و زن را با شروط معینی زوج‌هی مرد می‌داند یا اینکه مالک مال تحت شرایط معینی

مالک می‌شود. در اینجا زوجیت (که یک حکم وضعی است، همانند حکم تکلیفی است) یک حکم شرعی است که اگر زوجیت به عنوان حکم وضعی پذیرفته شود، می‌تواند زمینه‌ساز احکام وضعی دیگری بشود، برای مثال اگر خداوند بین زن و مردی حکم وضعی اعتباری زوجیت را وضع کند، همین حکم وضعی، موضوع حکم تکلیفی وجوب پرداخت نفقه‌ی مرد به زوجه قرار می‌گیرد و پس از حکم تکلیفی وجوب پرداخت نفقه، حق زن نسبت به شوهر مبنی بر مطالبه‌ی نفقه تحقق پیدا می‌کند. یا رابطه‌ی معینی را برای هر یک از زن و مرد تشریح می‌کند که در رفتار ایشان اثر غیرمستقیم دارد. وقتی زنی عنوان «زوجه» را پیدا می‌کند، لازم است رفتار خاصی را در مقابل شوهر داشته باشد که مورد اقبال زوج باشد. این نوع از احکام، احکام وضعی نام دارد و با احکام تکلیفی ارتباط محکمی دارند (صدر، ۱۴۰۶: ج ۱، صص ۵۲ و ۵۳). به همین صورت مرد هم موظف به رفتار متناسب با وظیفه‌ی خود می‌گردد. تعلق حکم تکلیفی رابطه‌ی جنسی اجزا، شرایط و یا قیودی دارد که در زندگی زناشویی مؤثر است و هر یک از این اجزا و قیود در روایات به عنوان «حق» و یا الفاظی شبیه آن وارد شده و در واقع حکم تکلیفی رابطه‌ی جنسی، زمینه‌ساز چندین حکم وضعی دیگر شده و حقوقی را برای هر یک از زوجین تعیین کرده است که از اجزا و شرایط این تکلیف است. تکلیف مرد و زن در رابطه‌ی جنسی شرایطی دارد که شرح آنها در احادیث متعددی آمده است؛ از جمله حقوقی که شوهر باید برای استمتاع جنسی رعایت کند بهداشت جنسی است. همچنین مرد مکلف است مقدمات لازم برای برقراری رابطه‌ی جنسی را به وجود آورد و انجام چنین مقدماتی به منزله مقدمه‌ی صحت عمل است. از آنجا که جواز و لزوم وضعی با جواز و لزوم تکلیفی فرقی ندارد و همه از احکام شرعی‌ای هستند که تفاوتی در ذات و ماهیت آنها وجود ندارد و تنها آثار آنها مختلف است (خویی، ۱۳۷۱: ج ۲، صص ۴۷ - ۴۵)، رعایت حکم وضعی مانند حکم تکلیفی لازم است؛^۱ لذا اگر در رابطه‌ی جنسی و زناشویی، این آداب جنسی (حکم وضعی)، از جانب مرد نسبت به زن رعایت نشود، رابطه‌ی جنسی انجام شده صحیح نیست و اگر زنی در ارتباط جنسی با چنین مردی ناسازگاری کند، نمی‌توان به آسانی حکم ناشزه به زن داد، زیرا عمل ناصحیح مرد موجب این ناسازگاری شده و شاید بتوان مرد را ناشز دانست.

ب - حکم ارشادی مولوی بودن «حق» زوجة

۱. زیرا بین قتل مشرک که حکم شرعی است با سلطنت ولی دم برای قتل قاتل که یک حق شرعی است، تفاوتی وجود ندارد (خویی، ۱۳۷۱: ج ۲، صص ۴۷-۴۵).

حکم «ارشادی» را می‌توان به «حکم ارشادی غیرمولوی» و «حکم ارشادی مولوی» تقسیم کرد (علیدوست، ۱۳۸۱: ۲۱۱-۲۰۹).

گاه امری را که شارع در خصوص آن تکلیف و جعلی ندارد و هرگونه جعل شرعی در مورد آن لغو است، ارشادی می‌نامند؛ برای مثال عبدی امر به نماز را از شارع می‌شنود و حکم عقل به لزوم اطاعت از مولا را می‌داند. در اینجا جعل لزوم اطاعت از طرف شرع بیهوده است، زیرا اگر عبد به تحریک مولی حرکت کند، تحریک مولا در قالب امر به نماز وجود دارد و اگر به تحریک عقل حرکت کند، حکم عقل وجود دارد. بنابراین برای تحریک بعدی دلیلی جز تأکید و ارشاد به حکم عقل باقی نمی‌ماند.

گاه امری را که شرع مقدس جعل فرموده است، ارشادی می‌نامند مثل امر به وجوب وفای به عقود در «اوفوا بالعقود» که ارشاد به لزوم عقود و نداشتن حق فسخ دارد.

در آیهی شریفه «اوفوا بالعقود» ظهور اولی، امر به وجوب مولوی است ولیکن گاه به واسطه‌ی قرائن خارجی از این وجوب رفع ید شده و حمل بر ارشاد می‌شود. عقود مختلف‌اند و ماهیت آنها باهم فرق می‌کند، در عقدی مثل عقد بیع هر یک از طرفین با رضایت دیگری می‌تواند آن را به هم بزند و یا فسخ کند. لذا اوفوا بالعقود در این‌گونه موارد حمل بر ارشاد می‌شود، اما عقودی مثل نذر و عهد فسخ‌کردنی نیست و ظهور در مولویت دارند. این اجمال در آیه، تفسیر جدیدی از حکم ایجاد می‌کند و آن اینکه ارشادی که در مثل «اوفوا بالعقود» است، مولوی است و ارشادی مقابل وجوب و تکلیف است و همچنان باقی بر مولویت است، چون امضاء این حکم به جعل شارع لازم شده است و با رفع ید از ظهور امر در وجوب تکلیفی، می‌توان آن را بر ارشاد حمل کرد و این نوع از ارشاد با مولویت حکم منافاتی ندارد؛ لذا به آن حکم «ارشادی مولوی» می‌گویند و این غیر از ارشادی مقابل مولوی است. در ارشادی مقابل مولوی (مانند امر در اطیعوا الله) برای اعمال مولویت مجالی وجود ندارد و تنها ارشاد به حکم عقل است (خویی، ۱۳۶۶: ج ۶، صص ۲۶ و ۲۷).

آداب استمتاعات جنسی که در منابع فقهی آمده، از مواردی نیست که فقط از ارشاد عقل حاصل شده باشد، زیرا انجام دادن صحیح یک رابطه‌ی جنسی - که یک تکلیف واجب و شرعی است - یک حکم تکلیفی و مولوی است و حقوق زن یا آدابی که مرد باید در رابطه‌ی جنسی مراعات کند، حکمی وضعی است که صحیح بودن یا صحیح نبودن عمل جنسی به آن وابسته است و به صحت، بطلان، جزئیت، شرطیت و مانعیت حکم شرعی رابطه‌ی جنسی نظارت دارد؛ لذا با رفع ید از مولوی بودن چنین امری می‌توان آن را حکم (ارشادی مولوی) نامید. در حقیقت، امر به رابطه‌ی جنسی، امر به عمل مرکبی از اوامر تکلیفی و ضمنی است؛ لذا هر یک از طرفین

که امر ضمنی را انجام ندهد، نسبت به ادای حق طرف مقابل اهمال کرده و در حقیقت وظیفه‌اش را انجام نداده است. مسلم است، اگر به دلیل ادا نشدن حق هر یک از زوجین و یا ادا نشدن حق استمتاع زن در قبال تمکین از شوهر، شالوده‌ی خانواده از بین برود یا صدمات جدی بر آن وارد شود، عقل و عقلا و شرع مقدس ترک چنین حقی را جایز نمی‌دانند.

بنابراین رعایت آداب در روابط جنسی ظهور در وجوب دارد، زیرا این حقوق برای انجام یک امر واجب در امور زوجین جعل شده است و می‌توان آن را به تبع حکم تکلیفی، حکم ارشادی مولوی قلمداد کرد که بهترین دلیل برای الزام است. به علاوه، رعایت این آداب با ابعاد انسان‌شناسی و تأییدات پزشکی و روان‌شناسی تطبیق دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

معاشرت به معروف به عنوان یک اصل اخلاقی در روابط زوجین تنها یک خوش اخلاقی و خوش‌برخوردی نیست که به عنوان یکی از وظایف زوجین در کنار دو وظیفه‌ی نفقه و ارتباط زناشویی واقع شود، بلکه معاشرت به معروف منضم به دو وظیفه‌ی واجب زوجین می‌شود و لزومش با لزوم وظایفی که هر یک از زوجین در زندگی زناشویی دارند، تعریف می‌شود. یکی از وظایف واجب، وجود ارتباط جنسی میان زوجین است که در این ارتباط زن حقوقی دارد که اعمال صحیح آن از جانب مرد موجب پایداری خانواده خواهد بود.

در این تحقیق با دلایلی چون وجوب معاشرت به معروف، ظهور اولیه‌ی تعبیر به حق در روایات به الزام و تضییعی بودن حق و تکلیف و نیز ارشادی مولوی بودن این نوع از حق - که مستند به وظیفه‌ی واجب رابطه‌ی جنسی میان زوجین است - الزام این نوع از آداب در زندگی زوجین تأکید شده است.

حق رعایت آداب جنسی در روابط میان زوجین، ظهور در وجوب دارد، زیرا:

- ۱- رعایت آداب جنسی و بهره‌مندی زن در عمل زناشویی، حق زن است که شوهر باید رعایت کند. در غیر این صورت صحت رابطه‌ی جنسی از جانب مرد پذیرفته نیست.
- ۲- این حق به عنوان مقدمه و شرط واجب برای ارتباطات زناشویی است.
- ۳- این حق یک حکم ارشادی مولوی است که به تبع حکم تکلیفی الزام رابطه‌ی جنسی واجب است.
- ۴- علاوه بر دلایل فوق، تحقیقات پزشکی و روان‌شناسی ثابت کرده است که رعایت آداب جنسی، سلامت روحی و روانی زوجین را به همراه دارد.

منابع

- ◀ قرآن کریم
- ◀ نهج البلاغه
- ◀ ابن ادریس، ابی جعفر محمد بن منصور بن احمد، ۱۴۱۰. *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: جامعة المدرسين.
- ◀ ابن حمزه (طوسی)، محمد بن علی، ۱۴۰۸. *الوسیله الی نیل الفضیله*، قم: مکتبه المرعشی.
- ◀ اعرافی، علیرضا. «درس خارج فقه»، مدرسه فقاها، (۷۷/۹/۱۸).
- ◀ انصاری، سید مرتضی، ۱۴۱۵. *کتاب النکاح*، قم: باقری.
- ◀ بجنوردی، محمد کاظم، ۱۳۹۴. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرة المعارف اسلامی.
- ◀ بحرانی (محقق)، یوسف، ۱۴۰۹. *حدائق الناضرة*، قم: جامعة المدرسين.
- ◀ بدری، سامی، ۱۴۱۷. *شبهات وردود*، قم: حبیب.
- ◀ توکل، زینب، سیده طاهره، میرمولایی، زهره مؤمنی موحد و آسیه منصوری. «بررسی ارتباط عملکرد جنسی در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی جنوب شهر تهران»، *مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان*، دوره نوزدهم، ش ۲، ش ۲۶.
- ◀ حرالعاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴. *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت.
- ◀ حکیم، محسن، ۱۴۰۴. *مستمسک العروة الوثقی*، قم: مکتبه المرعشی النجفی.
- ◀ حلی (علامه)، ابی منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الاسدی، ۱۴۱۰. *ارشاد الاذهان الی احکام الایمان*، قم: النشر الاسلامی، جامعة المدرسين.
- ◀ حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، تهران: کتابخانه ی نینوی.
- ◀ خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۱. *مصباح الفقاهه*، وجدانی.
- ◀ رضایی پور، افسر، زیبا تقی زاده، سقراط فقیه زاده و روزیتا ایازی، «بررسی میزان رضایت مندی از روابط زناشویی به مراکز بهداشتی درمانی شهر اراک»، *حیات (دانشکده پرستاری و مامایی)*، سال نهم، ش ۱۹، (زمستان ۱۳۸۲).
- ◀ سبزواری، سید عبدالاعلی، *مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام*، قم: دارالتفسیر.
- ◀ سپهریان، فیروزه و لیلا حسینی، «اختلال کارکرد جنسی زنان و برخی عوامل مرتبط با آن در شهرستان ارومیه»، *مجله پزشکی ارومیه*، دوره ۲۳، ش ۱۴۸، (۱۳۹۱).
- ◀ سیستانی، سید علی، ۱۴۱۶. *منهاج الصالحین*، قم: مکتبه آیه الله سید علی سیستانی.
- ◀ شاکری گلپایگانی، طوبی، ۱۳۹۳. *ضرورت تبیین مبادی حق در علم اصول*، تهران: فکر سازان.
- ◀ شریعتی، الهام و سیده فائزه صفدرزاده. «ماهیت و آثار طلاق توافقی در فقه و حقوق»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۲۰، ش ۷۸، (۱۳۹۶).
- ◀ صدر، محمد باقر، ۱۴۰۶. *دروس فی علم الاصول*، بیروت: دارالکتب اللبنانی مکتبه المدرسه.

- ◀ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، ۱۴۱۵. المقنع، قم: مؤسسه الامام الهادی.
- ◀ _____، ۱۴۰۳. الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- ◀ طباطبایی، علی، ۱۴۰۴. ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم: آل البيت.
- ◀ طبرسی، سید رضی الدین حسن بن فضل، ۱۴۱۲. مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
- ◀ طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، ۱۳۶۵. تهذیب الاحکام، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ _____، ۱۳۸۷. المبسوط، تهران: مکتبه الرضویه.
- ◀ العاملی (شهید ثانی) زین الدین بن علی، ۱۴۱۳. مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- ◀ _____، ۱۴۱۰. شرح اللمعه، قم: داوری.
- ◀ عاملی، سید محمد، ۱۴۱۳. نهایه المرام، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ◀ عراقی، ضیاء الدین، ۱۴۰۵. نهایه الافکار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ◀ فاتحی زاده، مریم، نجمه بارباز اصفهانی و اعظم پرچم. «مدیریت تعارض های زناشویی با رویکرد حل مسئله از منظر مشاوره‌ی خانواده و اسلام»، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۹، ش ۷۴، (۱۳۹۵).
- ◀ فاضل هندی، بهاء الدین محمد بن محمد بن الحسن بن محمد الاصفهانی، ۱۴۱۶. کشف اللثام، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ◀ قاضی ابن براج، ۱۴۰۶. المهدب، قم: جامعه المدرسین.
- ◀ کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷ش، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ گلپایگانی، سید علی، ۱۴۱۳. هدایة العباد، دارالقرآن الکریم.
- ◀ مازندرانی، محمد بن شهر آشوب. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه.
- ◀ مجلسی، سید محمد باقر، ۱۴۰۳. بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ◀ محقق حلی، ۱۴۰۹. شرایع الاسلام فی مسائل الحرام و الحرام، تهران: استقلال.
- ◀ مداح، فرزانه، ۱۳۹۴. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- ◀ مژده، فاطمه و شراره ضیغمی محمدی، «ارتباط بین افسردگی و شاخص عملکرد جنسی در زنان متأهل»، مجله‌ی علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، دوره ۲۱، ش ۱، (۱۳۹۲).
- ◀ مصطفوی، درس خارج اصول، مدرسه فقاها.
- ◀ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، اخلاق جنسی، تهران: صدرا.
- ◀ «معرفت شناسی مکتب تفکیک و نقد آن (عقل فطری)»، دائرة المعارف طهور،
- <http://tahoor.com/fa/article/view/111636>
- ◀ مکی عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۱. اللمعة الدمشقیه، قم: دارالفکر.

- ◀ مهدوی پور، بازکیایی و مجتبی صداقتی فرد، «بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و صمیمیت زوجین با سازگاری در خانه»، فصلنامه روان‌شناختی تحلیلی شناختی، سال ششم، ش ۲۲، (۱۳۹۴).
- ◀ موحد، مجید و طاهره عزیزی. «مطالعه‌ی رابطه‌ی رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، ش ۲، (۱۳۹۰).
- ◀ موسوی، شیرین و محمود طاووسی، بررسی ارتباطات اختلالات جنسی با بروز طلاق در شهرستان اراک، پایان نامه مقطع دکتری، (۱۳۸۹).
- ◀ موسوی‌الخمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، قم: اسماعیلیان.
- ◀ میرزای قمی، ابوالقاسم، ۱۴۱۳. جامع‌الشتات، تهران: مؤسسه‌ی کیهان.
- ◀ نبویان، سید محمود، «تلازم حق و تکلیف»، آیین حکمت، ش ۴، (۱۳۸۹).
- ◀ نظری، سوسن و خدیجه ابوالمعالی. «بررسی ارتباط کمال‌گرایی و عزت نفس با رضایت جنسی زنان متأهل»، پرستاری ایران، دوره ۲۸، ش ۹۵، (۱۳۹۴).
- ◀ نوری طبرسی، حسین، ۱۴۰۸. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت.